

اداره روزنامه یو. یو. ندرای وطن

حب الوطن من الايمان

قیمت اشتراك سالانه

طهران مقابل شمس المهاره

عدالت

مساوات

طهران

۳۶ قران

در مطبعه شرقی مدیر و نگارند

محمد الاسلام کرمانی

ندائی وطن

سواى ايام تعطيل همه روزه

طبع و توزیع میشود

ابدی

ارادی

در هندوستان ۱۵ روپيه



قیمت يك نمره طهران ۱۰۰ دینار

اعلانات سطرى يك قران

تاریخ ۳ شنبه ۷ شعبان المعظم ۱۳۲۷



روزنامه پست ازاد هوا خواه زرقى مملکت و ارادى ملت و از سیاسیات و اخبار داخله و خارجه بحث مینماید



حکم خوب خواهد بود زیرا که چنانکه کفایت قانون باید لایحاله از دستگاه قانون صادر بشود (بقیه دارد)

جشن نصرت ملی

بیمبارکی و هیبت و شرافت و سعادت عصر جمعه سیم شهر شعبان مجلس جشن باشکوه نصرت ملی شروع شد و الا حضرت اقدس اعظم آقای نایب السلطنه مد ظله بنس نفیس خود جشن مزبور را افتتاح فرمودند و اردین محترم با نهاب توفیر و احترام و کمال عزت و احتشام شامل مجالس جشن شدند حضرت اشرف آقای سپهدار وزیر جنگ و حضرت اشرف آقای وزیر داخله و سایر وزراء عظام و رجال کرام مرتباً حاضر شدند از طرف جناب آقای ظهیر الدوله هیئت اداره کنندگان سه قطعه نشان مدل مرصع حاضر نموده و بموجب تکرافات خود اقا محضاب ۰۰۰ سپهدار و جناب ۰۰۰ سردار احمد و جناب ۰۰۰ تقی زده اهدا نمودند خطابه هم از طرف هیئت قرائت شد که ذیلاً با سواد تکرافات آقای ظهیر الدوله درج میشود و در انتظامات جشن حضرت والا سالار السلطنه اقدامات حسنه و مراقبات مستحسنة میذول داشتند و چون مقصود از تاسیس این جشن رعایت احوال مجروحین و وراثت مقتولین از مجاهدین است و هیئت اداره کنندگان قریب هزار تومان برای ترتیبات این جشن مخارج کرده بود در بقیه ذائقه این اساس را بر هم نزنند و قرار شد در

بقیه دفتر قانون مملکت

این قدر که از قانون میگوئیم اول بفهمیم که قانون یعنی چه دران نوشته جانیکه در این دو سال بروز کرده دیده ام که میگویند قانون ان حکمی است که از دستگاه حکمرانی صادر شود و امثال ان بر عامه رعیت بالمساوی واجب باشد این قسم تعریف قانون باعث اشتباه جمعی شده است چنانکه اغلب وزراء و اهل مصلحت خام خیال میکنند که هر قراریکه انجناس متمرکه بنویسند و دیوات انرا قبول و مجری دارد ان قانون خواهد بود و حال این که چنین نیست قانون يك شرط عمده دارد که بالکلی از ان غافل هستیم و شرط مزبور از اصول و از دقایق علوم تنظیم است عمل حکمرانی چنانکه مکرر گفته ایم مرکب است از دو عمل علیحده یکی وضع قانون یکی اجرای قانون این دو عمل هر کدامی يك دستگامی لارم دارند که جمیع اشکالات حکومطنی در ترتیب انها است هر حکمی که موافق قرار مبین از دستگاه قانون صادر شود ان حکم را قانون میگویند و لازمه قانون این است که حکما از دستگاه قانون صادر شود ان حکم را قانون میگویند و لازمه قانون این است که حکما از دستگاه قانون صادر شود با بر این ان قراری که فلان پادشاه یا فلان وزیر یا فلان حکم بنویسد آن قانون نخواهد بود در صورتی هم که بهتر از جمیع قوانین روی زمین باشد و بهتر از جمیع احکام مجری بشود باز قانون نخواهد بود منتها

هر هفته در بوبت شب شبیه و شب سه شبیه اساس جشن را دایر نمایند و برای اینکه همه کس بتواند مستقیماً شود بعد از این قیمت بلیط دخیله را ارزان تر خواهند کرد و از قراری که معلوم شد فایده این جشن تا روز جمعه زیاده از سه هزار و پانصد تومان بوده که تسلیم کمیسیون جنگ نموده اند و بعد از این هم هر چه حاصل شد بانجا داده میشود و بر حسب امر آقای ظهیرالدوله بولایات تلکرافات شده و یقین است که از همه جا اعانه خواهند داد و در این کار خیر که متضمن اسایش جمعی از امل و ایام است شرکت خواهند کرد

صورت خطابه

انجمن اخوت که در تشکیل اجتماعات و ترویج برادری و مساوات در طهران پیش قدم و مقدمه الجیش حریت بوده و از ده سال باین طرف با تصادف و مقاومت با موانع شدید از خدمت بجمهور و تنویر افکار عموم فرو گذار نکرده در هر موقع در تعمیم مساوات و برادری فیما بین طبقات مختلفه خود داری نموده اعلامی کلمه اسلامیت و تحریک عرق قومیت و ملیت را در عموم ایرانیان از وظیفه خود شناخته و خدایا شکر که اگر خارها در راه او کشتند کجا دمید و همه نخل برومند برومند شد و اگر بنیان آنرا بقوپ بستند کنکرة اش بهرش اعلی رسید و منظور نظر بزرگان شد

اینک شرف دارد که باسر و فرمایش آقای خود حضرت ظهیرالدوله ارواح الفقراء له اهداء بنمایش این جشن نصرت ملی احساسات صمیمانه خود را در اشک و اقدامات جلیله مجاهدین غیور دین پرور بمرض شهود آورد و آن جوامر وجود را بتوفیقات صمدانی و نایبات آسمانی تبریک و تهنیت عرضه دارد

هر چند شبهه نیست که هیچ عنوانی از طرف ما نمیتواند شکر و سپاس شایسته در مقابل اقدامات آن برادران غیور جلوه دهد و از عهده عشری از اعشار آن جوانمردان غریبند جان دادند و سینههای برازحمیت خود را هدف کلوله کین الود دشمنان دین و وطن نمودند و ما میخواهیم بمجرد حرف و صرف قول این خدمت ایران زنده کن را سپاسگذاری کرده باشیم و بدیهی است که کردار را با گفتار مناسبی نخواهد بود

ولی انجمن اخوت نظریه ملک خود که خدمت بخلاق است با همه ملاحظیات دقیقه تاسیس این جشن را برای تقدیم نمونه از تشکرات خود لازم دانست که مالا یدرک کلاه لاتبرک کلاه و بقدر مقدور که ازین جمع بریشان مهیور بود بفراموش داشتن این نمایش ملی اهتمام نموده بر حسب امر و اراده حضرت آقای ظهیرالدوله سه قطعه دالیون که علامت این انجمن و نماینده شکرانه این هیئت است حاضر نموده و اینک با کمال تجلیل و احترام در حضور سه اصل اصیل و سه قوه نبیل جلبل نیاز میکنند یکی بحضرت تقی زاده که بقوت علم و کفایت در تحصیل ازادی و تهذیب اخلاق این ملت هیچ دقیقه را فرو گذار نفرموده و دو دیگر را خدمت دو سردار معظم ایران و دو حامی مکرم اسلام حضرت سیهدار اعظم و حضرت سردار اسعد که بقدرت عقل و شجاعت در استقلال اسلام و نجات ایران از بذل جان و مان دریغ نداشتند و ایرانیا که جزو ممالک مرده و اقالیم افسانه بشمار میرفت نمکئی زنده و زنده جاوید واقلمی تاریخی بنام معرفت فرمودند و امید است این یاد کار کوچک که نمودار عشق قلبی این هیئت خدمتگذار است در برابر آن ذوات مقدسه بحسن قبول پذیرفته گردیده این انجمن را در پیشرفت نبات خود که حفظ استقلال وطن و تهذیب اخلاق هموطنانست تبریک و تهنیت دانسته همه جا همراه و همقدم دانند و نه این است که هیئت انجمن اخوت جان فشانیهای دو فرزند غیور ایران ستار خان و بقر خان را فراموش کرده باشد و حضور و غیاب آن دو جوان مرد را فرقی بگذارد و برای اینکه در خدمت آن دو وجود شریف هم تقدیم تشکری نموده باشد مدالی مخصوص یاد کار این جشن خدمت ایشان خواهد فرستاد - زنده باد مجاهدین -

پاینده باد اخوت (تلکرافات)

نمره ۹ از کرمان شامان

بتوسط حضرت مستطاب اقدس آقای سالار السلطنه دامت شوکتها حضور مبارک حضرت مستطاب اجل اشرف اجداد اکرم افخیم آقای سیهدار وزیر جنگ دام ظلله اکبر چه نشان ما بهام بی نشانی است ولی چون

شکر المولی قوای ثاک مملکت بکف کفایت و همت
منیر حضرت مستطاب اجل و سردار بختیار آقای وزیر
داخله مدظله و جناب مستطاب آقای قهی زاده که بمشابه
موالید تائمه بود. هماره تجدید یافت و مایه اتحاد دولت
و ملت گردید انجمن اخوت که خود را داعی و علمدار
اخوت و مساوات و حریت میداند با کمال شرف و
افتخار یک مدال مرصع بیسار کار اخوت اهالی ایران
بمحمود مبارک اهدی میباید امید بهمت اولیای حق
قبول و مایه مزید اقبال گردد صفا علی

(نمره ۱۰ سواد نلکراف از کرمانشاهان بطهران)
توسط حضرت اقدس والاسالار السلطنه دامت شو کته خدمت
جناب مستطاب قائد الملة و الدین و اشرف المجاهدین
فی سبیل الله سلاله السادات العظام آقای قهی زاده
دامت تابیدانه بعد از ایفای مراسم تبریک ورود بمبنت
مشهور که مایه روشنی چشم خیر خواهان وطن است
زحمت میدهد کی از نو نشان ادبیت میداد جهان ادبیت
برای اینکه تقدیم خدمات بهالم انسانیت را به جوجه
تاخیر نفرموده باعزمی ثابت بنای مقامی و کعبه مقصود
با حجبی مبرا و سعی و مشکور رسیده و پای همت بر فرق
فرقدان گذاشته اید انجمن اخوت که از اول جانش
محرمانه این حریم بوده با کمال شرف بکقطه نشان مرصع
بیاد کار اتحاد ملت و دولت اهداء آن حضرت میباید
امید است که با امید ارباب همت مایه از دیاد شرافت
گردد صفا علی

(نمره ۱۱ از کرمانشاهان)

بتوسط حضرت اقدس والا آقای سالار السلطنه دامت
شو کته خدمت ذیر نفعت حضرت مستطاب اجل اکرم
افخم آقای وزیر داخله مدظله العالی
ای افتاب همت و ای مشتری نشان
هرگز بهمت تو نداد آسمان نشان
بعد از تقدیم تهنیت این عهد سعید از انجمن اخوت
از نخست ساحت ایران را با عزمی درست بندای
انما المؤمنون اخوه بلند اواز بود و حضرت اجلا را
بیاری بخت و همت بلند شایسته این بختیاری دید
و شکستن این طایم را با هم مبارک فومید و شکر المولی

مفتاح این بکنج با تحمل بی رخ بدر انگشت مبارک
گردید لهذا با کمال افتخار بکقطه نشان ادم مرصع ان
انجمن را بیاد کار اخوت اهالی ایران تقدیم حضور مبارک
داشت امید که مایه بختیاری گردد صفا علی

مکتوب یکی از علمای اصفهان

خدمت حضرت روشن ضمیر محترم جریده فریده ندای
وطن ذامت تابیرانه

(این که می بینم به بیداری است بارب با بختواب)

اوراق شریفه نامه ملی و جریده بومیه ندای وطن است
بدست دوستان چون ورق گل و طبق سنبل دره شام جان
عطرش آرزوی روح میدهد و قلوب را سروری بر فروع
صبر میباید که سخت و سست دوران به بندد

تاب کردانی کله بادیده را بر همزنی
اگر چه روزگار سختی و ابلام پریشانی گذشت ولی چه
گذشتنی که هر دمش با هزاران غم و هر شبش با نهایت
و تعب ما را بسخت جانی خود این گمان نبرد

الحمد لله که بتوجهات عبیده و عنایات لا ربیه مظلومین
ریشه ظالمین میکنند و طرح عدالت افکندند علم
مشروطه بر افراشتند و نام مردی و مردانگی در عالم
گذاشتند ایران پس از چند قرن که بوفور ظلم و بیداد
و ظهور جور و استبداد مبران شده بود بهمت مردان
و غیرت ایرانیان رشک جنون شد و بشرف و افتخار
مشهور جهان

و باید بدانیم که این نعمت و شرافت بما بقیهتهای کران
و پهای بی پایان بیق خونهای عزیزان و جوانان و
خسارات فراران و یتیم شدن طفلان و بیوه کشتن زنان
و هزاران خون دل بدست آورده ایم بر اینکان از دست
ندیم و امر امور که تکلیف عموم است اینکه بدانیم
چه باید کرد و چه نباید کرد و در تحت این عنوان
سخن فراوان است در حقیقه نسخه صبیب بیماران و
سر مشق طفلان دبستان ناطقین و واعظین باید در این
عنوان کلام گویند و جریده نگاران که زبان ملتند
در تحت این عنوان مقالات بنویسند این بنده هم بقدر
وسع در این عنوان بیانی می نمایم و توفیق از خداوند می خواهد
(چه باید کرد و چه نباید کرد)

مریض را نزد طبیب حاذق بردند بکمال دقت

ملاحظه امراض اورا بسیار دیده هر عضوش دردی دیگر و مرصعات المی ظامر بملایه از این اوجاع اعضا رتبه را اقسام امراض طارض است و همه مهلك و تمام ضد یکدیگر در شرف هلاکت از همه بد بختیها گذر شته مبتلا بفقیر و فلاکت نه دوائی نه غذایی نه برستاری نه مدد کاری است طیب برای خدا در مقام علاج مبرکود اول دقیق میشود امراض سخت که در اعضاء رتبه است ملاحظه نموده هر کدام اثرش در هلاک بیمار سرهمتر است تشخیص داده بکلی از سایر امراض او صرف نظر کرده دوائی ان درد را مقدم میدارد ترتیب برستار و مددکاری نموده بمالجه ان مرض مخصوص مبادر گاه میشود مداوای ان مرض اسباب شدت او جاع و سختی درد های دیگر می شود ابدأ طیب حاذق اعتناء نمیکند شاید سر بیض فریاد می کند که از درد با مردم طیب دوائی درد سر را مقدم مبادر مملکت ما همان سر بیض است هزاران درد دارد ولی بعضی درد هاست که مشرف بهلاکت نموده امروز که بدست ملت افتاده که هم طیب است هم برستار هم باید رفع فلاکت کند هم از هلاکت نجات بدهد چه باید کرد هر خطری که زود تر برای وطن مقصور است بدلاج و چاره ان گوشه بد چه نباید کرد نباید اسباب از دیاد ان خطر و زیادتی تاثیر و نفوذ آنرا فراموش نمود چه خطری امروز حذرش بیشتر است پلتیک اجنب و ورود قشون آنها از اطراف و جوانب چگونه چاره ان نمانیم و چه قسم اسباب از دیاد این خطر را فراموش نمانیم باید بفهمیم از چه راه وارد شده اند و بچه تدبیر سیاسی داخل شده پلتیک ایشان جاری گشته و نفوذ پیدا نموده واضح است هیچ دولت مقتدر عالم هر قدر قوی باشد حق ورود و دخول در خاک دولت دیگر هر قدر ضعیف و کم زور باشد ندارد مگر اینکه بیک حرف حق و بهانه خود را مستحق نماید انوقت هر قدر میخواهد ناحق را در ضمن ان حق جاری مینماید حرف حق هم غالب از اثر ضعف و جهالت دولت ضعیف پیدا نمیشود و الا بانصاف ان حرف هم غالباً ناحق است بصورت حق جلوه داده هزار ناحق صرف را در یک ناحق بصورت حق داخل می نماید

دوات بیه روس بنوان حفظ تبه و قواسوایخانهها قشون وارد تبریز کرد چه خطری برای تبه خارجه یا قونسولخانه ها بود همه عالم میدانند بعد چرا رحل اقامت افکنند ند گفتند باید حاکم مقتدر بیاید امنیت برای آباع خود حاصل کنیم در یازده ماه محاصره تبریز که شب و روز مجاهدین غبور و سرداران ملی مشغول جنگ بودند از عهده حفظ آباع و قونسولخانه ها خوب برآمدند رضایت نامه های قونسولها موجود و تمام جراند عالم شاهدند بداز ترك جنگ و امنیت ان خطه از حمة تفرقه اردو های استبدادیه چه شده که انجمن ایالتی و سرداران ملی و مجاهدین غبور از عهده حفظ آباع خارجه بر نمی آیند چه باید کرد رفع بهانه و ان حرف را نمود فوراً امنیت بلاد و انتظام کامل در ممالک ایران قائم نمود حکام ولایات امنیت جانی و مالی آباع خارجه را بپذیرند باید هر چه زودتر عذر مهمانهای مهربان را خواست وقتی رفع بهانه و حرف بصورت حق آنهاست باید بر حسب قانون از ورود بخاک دوات دیگر هر قدر ضعیف باشد احتراز نمایند مرضی که بسیار خطرناک و مهلك است برای این سر بیض ورود قشون همسا بکان است بهانه ان را باید زودتر رفع کرد حکام ولایات را معین و سریعاً بمراکز فرستاد طرق و شوارع را باسرع وقت باید مامون نمود و پست و مترددین را باید مصون داشت (بقیه دارد)

اعلان

دو طنز فرمان مواجب یکی مال ورنه مرحوم بهاء الملک و یکی مال ورنه عباس خان هر کس پیدا کرده باشد در اطاق کتبیون جنک یا وزارت خارجه بمکرم المائک رسانیده دونومان حق زحمت خود را دریافت نماید

معارف خواهان را بشمارت

از سیم شهر شعبان المظم رور ولادت بدمادت حضرت خامس ال عبا ارواحنا فداء اول دسته در منزل جناب مستطاب ملاذ الاسلام آگاه کننده حوزه اهل ایمان بوجه عدل و احسان آقای حاجی شیخ رئیس دامت برکاته مجلس موعظه نانه و نطق عالی مینماید خواهد بود ارباب ذوق را بکمال احترام عرض دعوت مینماید در مطبوعه شرقی بطبع رسیده محمد اسلام کرمانی